

Investigating the relationship between the organization of legal representation and the issue of khums from the era of Imam Kazem (a.s.) to the end of the minor occultation

Mohammad Mizanur Rahman¹ | Hossein Abdulmohammadi² | Mohammad Reza Ziyai³

(DOI): [10.22034/skh.2024.17269.1469](https://doi.org/10.22034/skh.2024.17269.1469)

Abstract

Original Article

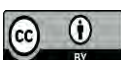
P 58 -78

The organization of legal representation is a network that was formed by Imam Sadiq with specific goals. In this network, Imam, as the leader of the organization, had representatives in different parts of the Islamic world, and one of their duties was to collect khums from Shiites and deliver it to Imam. The issue of this research is the relationship between the organization of legal representation and Khums from the time of Imam Kazem until the end of Ghaibat Sughra. The result of the research shows that one of the goals of the organization of legal representation was to collect khums, and during the era of Imam Kazem, special attention was paid to khums due to the expansion of the geographical territory of Shiites, and the number of representatives of that Imam increased in different regions. During the period of Imam Reza and Imam Javad, the goals of this organization were pursued with more order and coherence. During the era of Imam Javad to Imam Askari, due to the atmosphere of oppression against the Shiites and the lack of access to the Imam, the representation network emphasized on pursuing the goals of the previous Imams, including collecting and delivering khums and preparing people for the age of Gheibat. In the era of Gheiat Sughra, special representatives of Imam Mahdi in the geography of Shiism collected and organized property, including khums, and through that, the relationship of Imam with Shiites was preserved. This article has investigated the relationship between the lawyer organization and Khums by collecting library data and using a descriptive-analytical method. The background of the research shows that the role of the organization of legal representation in receiving Khums has been given less attention with this approach.

Keywords: khums, organization of legal representation, imams, Gheibat Sughra.

1. Ph.D. student of Ahl al-Bayt History, Complex of Islamic History, Sira and Civilization, Al-Mustafa International University, Bangladesh. Mohammad MizanurRahman@miu.ac.ir
2. Ahl al-Bayt History Department, Complex of Islamic History, Sira and Civilization, Al-Mustafa International University, Qom, Iran. (hosein_abdalmohammadi@miu.ac.ir)
3. PhD in Islamic History and Associate Researcher of Al-Mustafa International Research Institute (PBUH). rezaziae19@yahoo.com

Received: 2023/10/22 | Accepted: 2024/06/27



This article is distributed under the terms of the Creative Commons Attribution4.0 | <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

بررسی رابطه سازمان و کالت و مسأله خمس از عصر امام کاظم (ع) تا پایان غیبت صغری

محمد میزان الرحمان^۱ | حسین عبدالمحمدی (نویسنده مسئول)^۲ | محمدرضا ضیایی^۳

شناسه دیجیتال (DOI): [10.22034/skh.2024.17269.1469](https://doi.org/10.22034/skh.2024.17269.1469)

نوع مقاله: علمی پژوهشی

چکیده

ص: ۷۸/۵۸
سازمان و کالت شبکه‌ای است که توسط امام صادق علیه السلام با اهداف خاصی تشکیل شد. در این شبکه امام (ع) به عنوان رهبر سازمان، در نقاط مختلف جهان اسلام و کالائی داشت که یکی از وظایف آنان جمع آوری خمس از شیعیان و تحویل آن به امام معصوم (ع) بوده است. مسأله این پژوهش رابطه میان سازمان و کالت و خمس از زمان امام کاظم (ع) تا پایان غیبت صغری است. حاصل پژوهش بیانگر این است که یکی از اهداف سازمان و کالت جمع آوری خمس بوده که در عصر امام کاظم (ع) به دلیل گسترش قلمرو جغرافیایی شیعیان توجه ویژه‌ای به خمس گردید و تعداد وکلای آن حضرت در مناطق مختلف بیشتر شد. در دوره امام رضا (ع) و امام جواد (ع) نیز اهداف سازمان و کالت با نظم و انسجام بیشتری تعقیب گردید. در عصر امام جواد تا امام عسکری (ع) به خاطر جو خفقان علیه شیعیان و عدم دسترسی به امام، شبکه و کالت بر تعقیب اهداف ائمه پیشین از جمله اخذ و تحویل خمس و آماده کردن مردم برای عصر غیبت تأکید داشت. در عصر غیبت صغرا نیز ثواب خاص امام زمان (عج) در جغرافیای تشیع به جمع آوری و ساماندهی وجوهات از جمله خمس پرداختند و از رهگذر آن رابطه امام با شیعیان محفوظ ماند. این مقاله با گردآوری داده‌های کتابخانه‌ای و با روش توصیفی-تحلیلی رابطه میان سازمان و کالت و خمس را مورد بررسی قرار داده است. پیشینه پژوهش نشان می‌دهد نقش سازمان و کالت در دریافت خمس با این رویکرد کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: خمس، سازمان و کالت، ائمه علیهم السلام، غیبت صغری.

۱. دکترای تاریخ اهل بیت (ع)، مجتمع تاریخ سیره و تمدن اسلامی، جامعه المصطفی (ص)، بنگلادش.

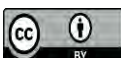
(Mohammad_mizanur rahman.miu.ac.ir)

۲. گروه تاریخ اهل بیت (ع)، مجتمع تاریخ سیره و تمدن اسلامی، جامعه المصطفی (ص)، قم، ایران.

(hosein_abdolmohamadi@miu.ac.ir)

۳. دکتری تاریخ اسلام و پژوهشگر همکار پژوهشگاه بین المللی المصطفی (ص). rezaziae19@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۳۰ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۰۷



در آمد

بررسی نسبت خمس با سازمان وکالت یکی از موضوعات حایز اهمیت در تاریخ شیعه به شمار می‌رود. دلیل اهمیت آن این است که خمس یکی از منابع مالی اسلام بوده و در گسترش تفکر دینی و تامین نیازمندی‌های مسلمانان نقش مهمی ایفاء کرده است. از سوی دیگر گردآوری و ساماندهی آن نیز توسط اصحاب ائمه (ع) از عصر امام صادق (ع) به بعد، در مناطق جغرافیایی مختلف اجرا شده که هرکدام واسطه‌ی امام (ع) با شیعیان و پیروان شان بوده اند. میزان و گستره‌ی این شبکه ارتباطی در عصر حضور ائمه به نحوی بوده که برخی از پژوهشگران از آن به سازمان وکالت تعبیر کرده اند که در ادامه بدان خواهیم پرداخت. این موضوع از عصر امام کاظم (ع) به بعد تا پایان غیبت صغری نیازمند بررسی بیشتر است، چرا که ائمه هدی (ع) در این محدوده زمانی با ساختار تشکیلاتی منظم و منسجم‌تری به جمع‌آوری خمس و مدیریت آن پرداخته اند. بررسی نقش خمس به عنوان فریضه الهی و دینی در شکل‌گیری سازمان وکالت، نحوه گسترش آن در عصر امام کاظم (ع) تا پایان غیبت صغری و نیز نقش آن در پیشبرد اهداف ائمه (ع)، مهم‌ترین اهداف این نوشتار را شکل داده است.

روش ما در این تحقیق، توصیفی - تحلیلی با رویکرد تاریخی - روایی است؛ چرا که از یکسو خمس یکی از واجبات دینی و اسلامی است که پشتوانه معرفتی آن آیات قرآن، روایات ائمه (ع) و در یک کلام متون و منابع دینی است. از سوی دیگر نسبت خمس با این شبکه، پیوست تاریخی دارد که با مراجعه به متون و گزاره‌های تاریخی قابل فهم و تبیین می‌گردد.

پیشینه پژوهش

در زمینه سازمان و وکالت و فعالیت‌های آن آثاری منتشر شده است. مهم‌ترین آنها عبارتند از:

۱. کتاب «سازمان وکالت و نقش آن در عصر ائمه (ع)». این اثر با اقتباس موضوع نگارش از اثر پیشین، در سال ۱۳۸۵ توسط محمدرضا جباری تدوین و در موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی منتشر شده است. نویسنده این کتاب در سر انجام رساندن این بحث موفقیت‌های خوبی داشته است. و اجمالا در باره مساله مورد پژوهش نیز مطالبی دارد. اما وافی به مقصود نیست.

کتاب «تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم عج». این اثر توسط دکتر جاسم حسین و با زبان انگلیسی نگارش و توسط محمدتقی آیت‌اللهی در سال ۱۳۸۲ ترجمه شده است. در این کتاب به

مسأله سازمان وکالت در عصر ائمه هدی (ع) با دید تفصیلی نگریسته شده و جهت تمهید و طرح دوران غیبت صغری به آن پرداخته شده است.

با اقتباس و الهام از این دو کتاب، آثاری چند در قالب پایان نامه و مقاله با موضوعات گوناگون به رشته تحریر درآمده است که برخی از مهم ترین آنها عبارتند از:

۱- «علل شکل گیری سازمان وکالت در عصر ائمه (ع)». این اثر در قالب پایان نامه کارشناسی ارشد توسط اکرم محمدپوری، در دانشگاه آزاد اسلامی در سال ۱۳۹۰ به نگارش درآمده است.

۲- «امام کاظم و سازمان وکالت» این اثر در قالب مقاله، توسط محمدرضا جباری در بهار سال ۱۳۹۲ در شماره ۵۳ از فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ اسلام در مجتمع عالی آموزشی امام خمینی (ره) منتشر شده است.

۳- «نقش سیاسی سازمان وکالت در عصر حضور ائمه علیهم السلام» این اثر در قالب مقاله، توسط محمد دشتی در در تابستان سال ۱۳۸۴ در شماره ۴۰ از مجله «فرهنگ جهاد» انتشار یافته است.

۴- خمس در بستر تاریخ، نگارش محمدسعید نجاتی، چاپ مشعر، از دیگر پژوهش های مرتبط با این موضوع است. محقق سیر تاریخی خمس پرداخته و عصر امام رضا تا غیبت کبرا عصر نهاده شده شدن خمس دانسته، ولی ارتباط خمس با سازمان وکالت را که موضوع این تحقیق است بررسی نکرده است.

آنچه در این نوشتار به آن می پردازیم بررسی رابطه خمس با شکل گیری و گسترش سازمان وکالت است که در آثار پیشینیان جزء اهداف اصلی نوشتار نبوده و اهمیت آن از دید نویسندگان مغفول مانده است.

۱- مفهوم شناسی

با توجه به نقش و جایگاه مفهوم شناسی در پژوهش های علمی و اهمیت شناخت معنای واژگان در تبیین موضوع بحث، پیش از آنکه وارد بحث شویم، ابتدا کلمات و مفاهیم کلیدی مورد استفاده در این پژوهش را مورد بررسی قرار می دهیم:

۱. سازمان: سازمان به معنای سامان دادن و تشکیلات (معین، ۱۳۸۵: ۵۸۴) به گروهی اطلاق می گردد که سیاست ها و خط مشی های مشترکی را به کار گیرند و برای دستیابی به هدف های مشترک تلاش هماهنگ کنند (کوئن، ۱۳۹۵: ۳۰۳).

۲. وکالت: به معنای جانشینی (معین، ۱۳۸۵: ۱۲۲۰) و تعیین کسی برای انجام کاری از جانب

دیگری به موجب یک عقد و قرار داد» به کار رفته است (جوهری، ۱۴۰۷ق: ۵/۱۸۸۴). در منابع فقهی نیز وکالت عبارت است از واگذاری کاری یا ارجاع ساماندهی و پیش برد امری از امور به غیر، تا در زمان حیات موکل انجام دهد (نجفی، ۱۴۰۴ق: ج ۲۷، ص ۳۴۷).

مراد از اصطلاح «سازمان وکالت» در این تحقیق، «مجموعه ای متشکل از امامان معصوم (ع) و عده ای از پیروان نزدیک و وفادار آنان بود که با همکاری یکدیگر تشکیلات هماهنگ و گاه پیچیده ای را پدید آوردند تا اهداف خاصی را برای پیشبرد اصول دینی و مذهبی محقق سازند» (جباری، ۱۳۸۲ش: ج ۱، ص ۲۳).

۳. **خمس:** مفهوم خمس در لغت به معنای «یک پنجم» و جمع آن «اخماس» است (ابن منظور، ۱۴۰۵ق: ج ۶، ص ۷۰؛ فراهیدی، ۱۴۱۰ق: ج ۴، ص ۲۰۵) در اصطلاح فقه شیعه، حقی است که هر مکلفی باید به میزان یک پنجم از درآمد سالیانه تمام منافع مالی خود را که مازاد بر مؤونه سالش باشد در جهت مصالح عمومی مسلمانان به رهبران معصوم یا وکیلان شان پرداخت نمایند (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ص ۳۵۳ و ۴۰۸) البته باید توجه داشت که نصف خمس منحصر به منصب امامت است که امام برای اداره مختلف مصرف می کند (حرعاملی، ۱۴۱۶ق: ج ۱۸، ص ۳۳۷). برخی در تعریف خمس گفته است: «خمس حق مالی است که خداوند مالک الملک بالاصاله در مال مخصوصی برای خود و برای احترام به بنی هاشم، در عوض زکاتی که اوساخ دستان مردم است، بر بندگان خود واجب قرار داده است» (نجفی، ۱۴۰۴ق: ج ۱۶، ص ۲).

۲- زمینه های اولیه رابطه خمس با سازمان وکالت

بدون تردید زمینه های معرفتی و پیشینه تاریخی نقش خمس در بوجود آمدن سازمان وکالت به عصر پیامبر اکرم (ص) مربوط می شود، چرا که آن حضرت در این راستا سلسله اقداماتی انجام داده است که سیره رفتاری آن حضرت در قبال این فریضه دینی را نشان می دهد. رسول گرامی اسلام (ص) به عنوان حاکم الهی در جامعه اسلامی به مسئله خمس توجه ویژه داشت. ایشان پس از گسترش اسلام به تفسیر آموزه های دین و اجرای قوانین الهی از جمله تبلیغ خمس و اجرای آن اهمیت می داد و با ارسال سفیران یا نگارش نامه به گرفتن خمس اهتمام بیشتری می ورزید (نیشابوری، بی تا: ج ۱، ص ۳۵). آن حضرت در نامه های خطاب به رؤسای قبایل سفارش می کردند که: خمس غنایم را بپردازید (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۵ق: ج ۳، ص ۳۶۷؛ ابن سعد، ۱۴۱۰ق: ج ۱، ص ۳۷۴). گاهی افرادی را برای جمع آوری خمس می فرستاد (بالادری، ۱۹۸۸م: ص ۷۸). چنانکه بر اساس آیه ۴۱ سوره انفال از غنایم جنگی خمس می گرفت. از باب نمونه غنیمت جنگ بدر

را به پنج قسمت تقسیم کردند، که یک قسمت (خمس) آن برای رسول خدا ۹ اختصاص داشت و چهار قسمت دیگر آن میان مجاهدین تقسیم گردید (ابویوسف انصاری، بی تا: ص ۲۸؛ هروی بغدادی، بی تا: ج ۱، ص ۲۱ و ۲۰۸). افزون بر این، پیامبر (ص) گاهی به مردم توصیه می کردند که علاوه بر خمس غنایم، خمس دیگر اموال را نیز بپردازند. چنانکه در حدیثی خطاب به سلمان و ابوذر و مقداد به این مهم تصریح کرده است (ابن طاووس، ۱۴۲۰: ۱۳۰؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق: ج ۹، ص ۵۵۳). فقهای شیعه نیز برای وجوب خمس بر اموال زاید بر مؤنه، به این حدیث استناد کرده است (نجفی، ۱۴۰۴ق: ج ۱۶، ص ۱۶۶؛ انصاری دزفولی، ۱۴۱۵ق: ص ۷۸؛ همدانی، ۱۴۱۶ق: ج ۱۴، ص ۱۱۴).

۳- فرایند تاریخی خمس تا عصر امام باقر (ع)

بعد از دوره پیامبر گرامی اسلام (ص) خمس تحولاتی را از سر گذرانده است؛ از دوره خلفاء تا زمان امام سجاد (ع) دست اهل بیت (ع) و شیعیان شان از خمس کوتاه گردید. برخی از منابع اهل سنت بعدها در توجیه رفتار خلفاء، خمس را به غنائم جنگی تفسیر و محدود ساختند (بیضاوی، ۱۴۱۸ق: ج ۳، ص ۵۰؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق: ج ۳، ص ۱۴۸؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق: ج ۲، ص ۱۵۸) در خصوص دشواری های عصر بنی امیه نیز ابن سعد در طبقات می نویسد: امام باقر (ع) فرمود: از زمان معاویه تا به امروز خمسی در میان ما تقسیم نشد (ابن سعد، ۱۴۱۰ق: ج ۵، ص ۳۰۵). همچنین در گزارش کشف الغمّه نیز آمده است: عمر بن عبدالعزیز مقدار فراوانی از مال خمس به ایشان داد و نیز آنچه حق بنی فاطمه و بنی هاشم بود که در زمان ابوبکر، عمر، عثمان، معاویه، یزید و عبدالملک جمع کرده و به ایشان نداده بودند، به ایشان بازگرداند، و بنی هاشم در آن سال ها غنی شده و وضع مالی آنان بهبود یافت (اربلی، ۱۳۸۱ق: ج ۱، ص ۹۶).

امام باقر (ع) شیعیان را به پرداخت خمس و اهمیت آن توجه داده است و به عدم حلال بودن چیزی که از مال تخمیس نشده خریده شود تأکید کرده است. (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۲، ص ۷۳۰؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق: ج ۱۷، ص ۳۶۹).

۴- نقش خمس در پیدایش و گسترش سازمان وکالت

فعالیت سازمان وکالت از زمان امام صادق (ع) آغاز گردید؛ زیرا در این در این مقطع تاریخی، مناطق شیعه نشین گسترش پیدا کرده، حوزه های فکری و علمی شیعه شکل گرفته است (جباری، ۱۳۸۲: ص ۴۷). از این رو، مدیریت و ساماندهی نیازهای فکری، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی شیعیان ضروری بود. امام صادق (ع) باتوجه به شرایط پیش آمده، به وجوهات شرعی از جمله مساله خمس توجه ویژه ای داشت. بنابراین هسته اولیه سازمان وکالت در عصر امام صادق شکل گرفت و

تعدادی از اصحاب و پیروان آن حضرت به عنوان افراد مورد اعتماد و وکیل آن حضرت گرد هم آمدند. هرچند برخی از محققان هدف اصلی سازمان وکالت را در ابتداء جمع آوری اموال و وجوهات شرعیه از جمله خمس دانسته است و معتقد است که تا عصر امام هادی (ع) ادامه داشته و جمع آوری خمس از اهداف سازمان وکالت بوده است (جاسم حسین، ۱۳۶۷: ص ۱۳۵). البته این ادعا که سازمان وکالت صرفاً برای جمع آوری خمس و وجوه شرعی تأسیس شده باشد، قابل پذیرش نیست، بلکه جنبه سیاسی و فرهنگی نیز داشته است (ر.ک: جباری، ۱۳۸۲: ص ۲۸۰-۳۴۱؛ مدرسی طباطبائی، ۱۳۸۶: ص ۱۶)، اما جمع آوری خمس یکی از عوامل تشکیل سازمان وکالت بوده و یکی از وظایف وکیلان ائمه و از رایج‌ترین فعالیت‌های کارگزاران این سازمان وکالت اخذ و تحویل خمس به حساب می‌آید که مهم‌ترین نقش سازمان وکالت نقش مالی دانسته شده است. (جباری، ۱۳۸۲: ص ۲۸۰) بنابراین جمع آوری خمس و تحویل آن به امام معصوم (ع) در پیدایش و گسترش سازمان وکالت بدون تأثیر نیست.

۱- ۴- عصر امام کاظم (ع)

عصر امام کاظم (ع) یکی از سخت‌ترین مقاطع تاریخ اهل بیت (ع) به شمار می‌رود؛ زیرا در این دوره تاریخی منصور و هارون دو تن از خلفای مقتدر بنی عباس و دو تن از جبارترین آنها یعنی مهدی و هادی عباسی حکومت کردند. خاندان بنی عباس در این دوره تلاش کردند تا جایگاه علمی و معنوی امامان شیعه (ع) را تخریب کنند. هارون در طول حکومتش در پی حذف بنی هاشم و شخص امام کاظم (ع) بود و در این راه از هیچ تلاشی فروگذار نکرد. تا آنجا که دستور داد تمام علویان ساکن در شهر بغداد را به مدینه هجرت دهند (طبری، ۱۳۸۷ق: ج ۸، ص ۵۳۵).

سیاست سرکوب و خفقان اولیه بنی عباس و برخورد خشن آنان با علویان، به ویژه ائمه معصوم (ع) و پیروان شان، نقش زیادی در پیدایش سازمان وکالت ایفاء کرد؛ چرا که ائمه (ع) در چنین شرایطی نمی‌توانستند به راحتی با شیعیان رابطه برقرار کنند و آنان را به حضور بپذیرند. پذیرش شیعیان از سوی ائمه و حتی صرف اطلاع حکومت از اعتقاد افراد به تشیع، در بسیاری موارد برای شیعیان خطر جانی و حداقل ضرر مالی در پی داشت؛ همچنان که این امر برای ائمه (ع) نیز بدون دردرسر نبود (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۴۷، ص ۲۱۰).

یکی از اموری که بر نقش برجسته خمس در گسترش سازمان وکالت دلالت می‌کند، وجود جو خفقان علیه امام کاظم (ع) و شیعیان است؛ زیرا امام به صورت مستقیم نمی‌توانست با شیعیان ارتباط برقرار نماید و خمس دریافت کند، بلکه به وکیل خود ارجاع می‌داد. (کشی، ۱۴۰۹ق: ص ۳۲۸، ح

۵۹۵؛ طوسی، ۱۴۱۱ق: ۲۱۰) بنابراین به خاطر ظلم و ستم بر امام کاظم (ع)، فعالیت سازمان وکالت گسترش پیدا کرد و وکلای آن حضرت در ناطق مختلف به جمع‌آوری خمس از شیعیان و تحویل آن به امام (ع) پرداختند. با تقویت و گسترش سازمان وکالت در عصر امام کاظم (ع) پرداخت‌های مالی شیعیان به دفتر وکالت نیز فزونی یافتند (جباری، ۱۳۸۵: ج ۱، ص ۲۸۰). ۱۳. اموال باقی مانده نزد وکلای امام کاظم (ع) پس از شهادت آن حضرت، از دیگر قرائن بر نقش خمس در گسترش سازمان وکالت است. هنگام شهادت امام کاظم (ع) مبلغ هفتاد هزار دینار نزد زیاد بن مروان عیسی و مبلغ سی هزار دینار تحویل علی بن حمزه بود (طوسی، ۱۳۴۸: ص ۴۶۷).

مبلغ سی هزار دینار و شش کنیز در تحویل عثمان بن عیسی روایي نماینده امام در مصر بود که نقل شده است پس از شهادت امام هفتم (ع)، علی بن موسی الرضا (ع)، کسی را نزد زیاد قندی و عثمان بن عیسی فرستاد و پیغام داد اموالی را که از پدرم نزد شما مانده است، برای من بفرستید (صدوق، ۱۳۸۵ق: ج ۱، ص ۹۱-۹۲).

هشام بن احمر گفت: اموالی را که برای امام هفتم به مدینه بردم، حضرت فرمود: آن را نزد مفضل بن عمر برگردان (طوسی، ۱۴۱۱ق: ص ۳۴۷). نمونه‌های متعدد دیگری از فعالیت مالی سازمانی وکالت در عصر امام کاظم (ع) در منابع ذکر شده‌اند. بنابراین، جمع‌آوری خمس و تحویل آن به امام کاظم (ع) یکی از اهداف سازمان وکالت و از وظایف مهم وکلای امام در مناطق مختلف بوده است. امام کاظم (ع) برای حفظ جان شیعیان در عین توجه دادن آنان به انجام فرایض دینی، به دریافت خمس و مسائل مالی از طریق وکلا دستور داد. آن حضرت گاهی به اصحاب خود چیزهایی که به آن خمس تعلق می‌گرفت را بیان می‌فرمود (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ص ۵۴۴).

گاهی زمان و نحوه محاسبه خمس را بیان می‌فرمود چنانکه ابی نصر یکی از اصحاب آن حضرت در مورد نحوه محاسبه خمس از حضرت سوال کرده حضرت جواب وی را نوشته است. (همان، ج ۱، ص ۵۴۵)

علی بن یقطين یکی از وکلای امام کاظم (ع) هر ساله خمس اموال خود را به آن حضرت می‌فرستاد، یک سال مقدار زیادی لباس را نزد امام کاظم (ع) فرستاد و در میان آنها پیراهنی را که هارون به وی داده بود و مقداری از مال خود را که هر ساله بر حسب معمول از خمس مال برای آن جناب می‌فرستاد، بر آنها افزود. چون آن مال و لباس‌ها به دست امام (ع) رسید همه را پذیرفت، اما آن پیراهن مخصوص را به علی بن یقطين بازگرداند (مفید، ۱۴۱۳ق: ج ۲، ص ۲۲۵).

هم چنین در گزارش دیگری شیخ صدوق می‌نویسد: یحیی برمکی با سعایت از جعفر بن

محمد بن اشعث (شیعی) به هارون عباسی گفت: هر مالی که از جایی به جعفر برسد خمس آن را برای موسی بن جعفر علیه السلام می‌فرستد و شك ندارم که در مورد این بیست هزار دینار که شما دستور دادید به او بدهند نیز همین کار را کرده است (صدوق، ۱۳۷۸ق: ج ۱، ص ۷۱). بنابراین جمع‌آوری خمس و ارسال آن به امام (ع) از جمله فعالیت‌های سازمان وکالت بود، ولی گاهی به خاطر جو خفقان، امام به وکلای خود دستور می‌داد: هرچه از وجوه شرعی نزد شما است برایم بفرستید و دیگر چیزی از کسی قبول نکنید تا نامه من به شما برسد (صفار، ۱۴۰۴ق: ص ۲۸۵). از این رو گاهی شیعیان خمس را در قالب هدیه به امام می‌فرستادند (مفید، ۱۴۱۳ق: ج ۲، ۲۲۶) بنابراین، با در نظر داشت مجموع روایات صادره از امام کاظم (ع) و گزارش‌های تاریخی، خمس یکی از عوامل گسترش سازمان وکالت در این عصر بوده است مخصوصاً که بخش قابل توجهی از عمر امام کاظم (ع) در زندان سپری شد.

۲- ۴- عصر امام رضا (ع)

در عصر امام رضا (ع) از شدت خفقان و دشمنی نسبت به علویان و پیروان اهل بیت (ع) کاسته شد. حضور مستقیم امام رضا (ع) در جغرافیای خراسان موجب شد تا شبکه ارتباطی وکالت وسعت بیشتری یافته و اصحاب آن حضرت در این منطقه نیز به فعالیت‌های منظم تری دست پیدا کنند. در این مقطع امورات مالی شیعیان از جمله خمس بوسیله اصحاب آن حضرت و از رهگذر سازمان وکالت مدیریت و ساماندهی می‌شد. در عصر امام رضا (ع) به خاطر بیشتر شدن موارد مصرف و نیازمندان شیعه (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ص ۴۸۸؛ اربلی، ۱۳۸۱ق: ج ۲، ص ۲۷۳) جمع‌آوری خمس توسط وکیلان آن حضرت شتابی بیشتری گرفت. آن حضرت نامه‌های به شیعیان و وکیلان خود در مناطق مختلف نگاشته بخشی از این هزینه‌ها را از طریق جمع‌آوری خمس شیعیان تأمین می‌کرد (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۴، ص ۱۷۴؛ مقدسی، ۱۳۹۷ق: ۵۵۲). از این رو، جمع‌آوری خمس و ارسال آن به امام رضا (ع) یکی از مهمترین بخش‌های فعالیت سازمان وکالت بوده است. چنانکه در زمان حضور آن حضرت در خراسان «عمران صابی» را برای جمع‌آوری صدقات مردم بلخ منصوب کرد. «وَوْلَاةُ الرِّضَا (ع) صَدَقَاتِ بَلْخ» (ابن بابویه، ۱۳۷۲ق: ترجمه غفاری و مستفید، ج ۱، ص ۳۶۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۱۰، ص ۳۱۸). هرچند در گزارش مذکور عمران وکیل امام در صدقات معرفی شده است، ولی با توجه به اینکه وکلای ائمه در جمع‌آوری وجوه شرعی تفکیک نشده و هر وکیل در یک منطقه وجوه شرعی اعم از خمس و غیر خمس را جمع می‌کردند، گواه بر این است که عمران در جمع‌آوری خمس نیز وکیل آن حضرت بوده است.

امام رضا (ع) همانند پدران خویش بر مسئله وجوب و پرداخت خمس از سوی شیعیان اهتمام داشتند، چنان که در تفسیر آیه ۴۱ انفال فرمودند: خمسی که برای خدا و رسول خدا (ص) وجود دارد برای ما نیز وجود دارد (عیاشی، ۱۳۸۰ق، ج ۲، ص ۶۲). آن حضرت خطاب به شیعیان، مراد از کلمه غنیمت را مطلق منافع بیان کرده و در این باره فرمودند: هرچه مردم به دست آورند، غنیمت به شمار می آید؛ خواه گنج یا معادن باشد و خواه از غواصی در دریا به دست آید، یا اموالی که در جنگ به دست آمده و برای آنها لشکرکشی نشده باشد، و همان چیزی که ادعا کرده اند که خمسی ندارد؛ یعنی سود بازرگانی و محصولات کشتزارها و باغ ها و دیگر درآمدهای بازرگانی و صنعتی و ارث و چیزهای دیگر، همه اینها غنیمت و سود و روزی خداوند است (صدوق، ۱۴۰۶ق، ص ۲۹۴).

امام رضا (ع) به خاطر نیازمندی اقتصادی شیعیان و اهل بیت (ع) به خمس توجه داشت. (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ص ۵۴۷-۵۴۱) با توجه به تأکید امام رضا (ع) بر پرداخت وجوه شرعی، به ویژه خمس، شیعیان نیز آن را به امام (ع) می رساندند، چنان که محمد بن اسماعیل بن بزيع دینارهایی را به عنوان زکات و صله نزد امام رضا (ع) ارسال کرد و امام نیز دریافت آنها را اعلام کرد. (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۴، ص ۱۷۴).

هم چنین شیعیان در مواقعی که احکام خمس را نمی دانستند با پرسش از امام (ع) اهتمام به تطهیر اموال خود می کردند، چنان که علی بن حسین عبدربه گوید: امام رضا (ع) صله و هدیه ای برای پدرم فرستاد. پدرم به امام علیه السلام نوشت: آنچه برایم فرستاده ای خمس دارد؟ امام (ع) به او نوشت: آنچه صاحب خمس برای تو می فرستد خمس ندارد (کلینی، ۱۴۰۷ق: ص ۵۴۷). همچنین در گزارشی آمده است: کسی از شیعیان از امام رضا (ع) درباره حکم آنچه از دریا خارج می شود، مانند لؤلؤ، یاقوت و زبرجد پرسید، امام علیه السلام فرمودند: اگر مقدار آن به يك دینار برسد در آن خمس قرار دارد (صدوق، ۱۴۱۵ق: ص ۱۷۲). بنابراین اخذ و تحویل خمس در گسترش سازمان وکالت نقش داشته است چنانکه امام رضا (ع) وکیلانی مخصوصی را مانند عمران در باره جمع آوری وجوهات شرعی انتخاب کرده است.

۳- ۴- عصر امام جواد (ع)

امام جواد (ع) در کودکی منصب امامت را به عهده گرفت. آن حضرت افزون بر اینکه تمام کارهای فرهنگی و سیاسی امام رضا (ع) را ادامه داد و زمینه را برای امامان بعدی از جمله غیبت فراهم می کرد، سازمان وکالت را که یکی از اهداف آن جمع آوری خمس بود تقویت کرد. آن حضرت نمایندگان را مانند میمون و مسافر برای دریافت وجوهات به قم اعزام فرمودند (کشی، ۱۴۰۹ق،

ص ۵۹۸). بنابراین خمس که یکی از مصادیق وجوهات شرعی به حساب می‌آید که محور فعالیت سازمان وکالت قرار گرفته و طبعاً در گسترش این سازمان نقش مؤثر داشته است.

محققان ۱۳ نفر از وکلای آن حضرت نام برده است. این وکلا هرچند صرفاً برای جمع‌آوری خمس نبوده‌اند، ولی یکی از اهداف سازمان وکالت و از مهمترین وظایف وکلای ائمه (ع)، جمع‌آوری خمس از شیعیان و تحویل آن به امام بوده است. از این رو، امام جواد (ع) به وکلای خویش جایگاه خمس را تبیین کرده و آنان را به نقش تربیتی آن توجه داده است. چنانکه در نامه مفصلی در باب دریافت و چگونگی محاسبه خمس به وکیل خویش علی بن مهزیار اهوازی نوشت: آنچه امسال (سال ۲۲۰ ق) واجب کردم تنها به منظور برخی مسائل است که خوش ندارم همه آنها افشا شود. اکنون که دانستم شیعیان ما یا برخی از آنان در آنچه بر آنان واجب شده، کوتاهی می‌ورزند؛ چون دوست داشتم آنان از گناه پاک شوند، لازم است در موارد خاصی که در نامه ذکر شده است، خمس مالشان را به وکلای امام بپردازند، و قصدم از این کار تطهیر و تزکیه شیعیانم است. خمسی که امسال بر آنان واجب کردم تنها در طلا و نقره ای است که یک سال بر آنها گذشته است. این را در کالاهای، ظرف‌ها، چهارپایان، بردگان و سودی که در تجارت و مزرعه برده می‌شود را واجب نکردم، مگر در مزرعه ای که موضوع آن را به زودی برایت خواهم گفت. این تخفیفی است از سوی من برای شیعیانم و منتی است که بر آنان گذاردم، به سبب پول‌هایی که سلطان از چنگ آنان درآورده است (طوسی، ۱۴۰۷ ق، ج ۴، ص ۱۴۱). با توجه به اینکه نامه مذکور از طرف امام جواد به یکی از وکلایش (علی بن مهزیار) در باره خمس نگاشته شده و در آن تصریح شده است که شیعیان خمس مالشان را به وکلای امام بپردازند، به خوبی روشن می‌گردد که خمس و سازمان وکالت ارتباط تنگاتنگ دارند و جمع‌آوری خمس یکی از اهداف سازمان وکالت به حساب می‌آید و در گسترش این شبکه نقش داشته است.

آن حضرت در ادامه نامه می‌نویسد: اما در مورد غنیمت‌ها و فایده‌ها، اینها در هر سال بر آنان واجب است. اما غنیمت‌ها و فایده‌ها عبارت‌اند از: غنیمتی که انسان آن را به چنگ می‌آورد، سودی که از زراعت بعد از وضع مخارج می‌برد و جایزه ای که از کسی به کس دیگری می‌رسد پس هر کس چیزی از اینها را در دست دارد، باید به نماینده ما برساند حتی اگر راه او دور باشد (کلینی، ۱۴۰۷ ق: ج ۱، ص ۵۴۴). در این بخش از نامه نیز حضرت تصریح کرده که خمس را به وکیل و نماینده اش تحویل دهد. این نشان می‌دهد که یکی از اهداف سازمان وکالت و از مهمترین وظایف وکلای امام؛ جمع‌آوری خمس بوده است.

از طرف دیگر شیعیان نیز در عصر امام جواد (ع) به پرداخت خمس اهتمام می ورزیده و وظیفه داشتند خمس را به صاحب آن تحویل دهند (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ص ۵۴۴) و بدون اذن امام (ع) به آن دست نزنند. گاهی شیعیان با ارسال نامه یا پرسش از امام (ع) درباره کیفیت و مقدار آن پاسخ خود را دریافت می کردند، چنان که در گزارشی آمده است: علی بن مهزیار اهوازی می گوید: به امام (ع) نوشتم: سرورم به مردی پولی داده می شود تا با آن حج بجا آورد، آیا به این پول تا هنگام رفتن به حج، خمس تعلق می گیرد؟ یا آنچه که پس از حج در دست او زیاد مانده است؟ امام (ع) پاسخ داد: بر او خمس نیست (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ص ۵۴۷). نیز در گزارش دیگری آمده است: محمد بن حسن اشعری می گوید: برخی از دوستان ما به امام جواد (ع) نامه ای نوشتند که از نحوه محابه خمس پرسند تا کیفیت آن چگونه است؟ امام فرمودند: خمس پس از محاسبه هزینه هاست (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۱۲۳). بنابراین، هرچند خمس در زمان امام صادق و امام کاظم (ع) توسط سازمان وکالت جمع و به امام تحویل داده می شد، ولی جمع آوری خمس به صورت منظم و سیستماتیک به عنوان یک فریضه مالی که شیعیان باید به ائمه (ع) پرداخت کنند (ابن بابویه، ۱۴۱۵ق: ج ۱، ص ۷۰؛ کلینی، ۱۳۶۵: ج ۱، ص ۴۵۷-۴۵۸)، به نظر می رسد از سال ۲۰۲ هجری آغاز گردید. در این زمان بود که امام جواد (ع) به وکلای خویش در مناطق مختلف جهان اسلام دستور داد که از چند نوع درآمد چنانکه در نامه آن حضرت تبیین گردیده است، از شیعیان خمس مطالبه نمایند (ابن شهر آشوب، ۱۴۱۲ق: ج ۴، ص ۳۸۹). این نشان می دهد که خمس و سازمان وکالت مرتبط است و خمس در گسترش این سازمان نقش داشته است.

۴-۴- عصر امام هادی (ع)

در عصر امام هادی (ع) عباسیان با بحران شدید مشروعیت در حکومت خود مواجه گردیدند و این کار قدرت آنان را به چالش کشیده بود. حاکمان بنی عباس هرچند در ابتدای حرکت سیاسی خود «الرضا من آل محمد» را سرلوحه شعار خود کرده بودند اما پس از چندی از این شعار روی گردان شدند، و همین سبب گردید علویان علیه آنان دست به شورش مستمر بزنند. قیام های علویان در مناطق مختلف قلمرو عباسیان و شهرهایی مانند کوفه، مکه، مدینه، بصره، خراسان، ری و طبرستان (مازندران) و گیلان و دیگر مناطق گسترده بود (یعقوبی، بی تا: ج ۲، ص ۵۵۰-۵۰۱). در نتیجه حاکمان بنی عباس از جمله متوکل سرکوب علویان را در دستور کار قرار داد.

در نتیجه ی این سیاست بود که ۲۰ سال از دوران امامت امام هادی (ع) در شهر نظامی سامرا و تحت مراقبت شدید نظامی سپری شد و متوکل بر آن حضرت بسیار سخت گرفت و با آن حضرت

برخورد نامناسب داشت و سر انجام نیز آن حضرت را به شهادت رساند (مفید، ۱۴۱۳ق: ج ۲، ص ۳۰۷). در این دوره باتوجه به انتقال و کنترل آنان در عراق، سازمان وکالت وظیفه سنگین تری در خصوص ارتباط با شیعیان در مناطق دور و نزدیک به عهده داشت. در بیشتر موارد، امور مالی از طریق آنان پیگیری می‌شد و در هر منطقه وکلا براساس شرح وظایف، شیعیان را مدیریت می‌کردند.

پس از آنکه امام جواد(ع) توسط معتصم عباسی به بغداد احضار گردید و تحت کنترل شدید قرار گرفت، آن حضرت به نماینده خود «محمد بن فرج» دستور داد که خمس و وجوه شرعی را به فرزندش امام هادی(ع) تحویل دهد (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ج ۴، ص ۳۸۹). در این شرایط به خاطر عدم دسترسی شیعیان به امام، نقش سازمان وکالت در جمع‌آوری خمس افزایش یافت. آن حضرت وکیلان خود مانند: «علی بن مهزیار»، «ابوعلی بن راشد»، «سعد بن اشعری قمی»، «ابراهیم بن احمد همدانی» و دیگر وکیلان خود را ابقاء یا جایگزین نمود. شیعیان خمس اموال خود را از طریق این وکلا به حضرت می‌فرستادند (طوسی، ۱۴۱۱ق: ص ۳۵۰، ش ۳۰۹). فعالیت‌های سازمان وکالت در راستای جمع‌آوری خمس و تحویل آن به امام به حدی پیش رفت که یکی از نویسندگان زیدی مذهب معاصر امام هادی(ع) به نام قاسم بن ابراهیم رسی، در کتابی به نام «الرد علی الروافض» آن حضرت را به خاطر نصب وکلا در مناطق مختلف شیعه برای جمع‌آوری خمس اموال شیعیان، شدیداً مورد انتقاد قرار داده است (جباری، ۱۳۸۲: ص ۲۹۵).

بر اساس اسناد موجود، در سال‌های آخر امامت امام هادی(ع) خمس شیعیان به صورت منظم و با تشکیلات دقیق توسط وکلای امام در مختلف بلاد جمع‌آوری و به امام تحویل می‌شد (حرعاملی، ۱۳۹۶ق: ج ۶، ص ۳۴۸-۳۴۹). شواهد موجود حکایت از آن دارد که شیعیان خمس خود را از طریق وکلای امام به آن حضرت تحویل می‌دادند. چنانکه از نامه ابراهیم بن محمد همدانی یکی از وکیلان برجسته امام هادی(ع)، به آن حضرت به دست می‌آید که شیعیان ناحیه همدان خمس اموال خویش را به ایشان تحویل می‌دادند. وی در نامه مذکور در باره کیفیت تعلق خمس به درآمد حاصل از زمین زراعتی و لزوم گذشت یک سال از آن، از حضرت سوال کرده است (طوسی، ۱۳۶۵: ج ۴، ۱۲۳؛ همو ۱۳۶۳: ج ۲، ص ۵۵).

از نکات که به نقش خمس در گسترش سازمان وکالت دلالت دارد؛ تأکید امام هادی(ع) به وکلای خویش در باره خمس است. امام هادی(ع) همانند پدران خود در سازمان وکالت بر پیگیری امور مالی شیعیان از جمله خمس تأکید داشتند، چنان که در معرفی ابوعلی بن راشد به پیروان خود در بغداد، مدائن و سواد (عراق) و دیگر مناطق اطراف آن فرمودند: من ابوعلی بن راشد را به جای

حسین عبدربه و هر کس دیگری که پیش از او نماینده من بود، گماردم. او نزد من همان جایگاه او را دارد؛ همه اختیاراتی را که نماینده های پیشین بر شما داشتند، او نیز دارد تا سهم من (خمس) را از شما دریافت کند (کشی، ۱۴۰۹ق، ص ۵۱۴). نیز در نامه ای دیگر خطاب به علی بن بلال نوشت: بر تو واجب است که از او فرمان ببری و هرچه سهم (امام) نزد توست به او تحویل بده و شیعیان ما را به سویی او بفرست (کشی، ۱۴۰۹ق، ص ۵۱۳).

از این رو، خلافت عباسی تلاش کردند سازمان وکالت را از بین ببرند. چنان که علی بن جعفر همدانی (خوئی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۲، ص ۳۲۰) و محمد بن فرج (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ص ۵۰۰) دستگیر شدند. البته امام هادی (ع) در برابر این اقدامات، مراقبت از اموال را به یاران خود گوشزد می کرد (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۰، ص ۱۸۵).

۵- ۴- عصر امام عسکری (ع)

در عصر امام عسکری (ع) به خاطر گستردگی سرزمین های اسلامی و پراکندگی جمعیت شیعه، سازمان وکالت نیز گسترش پیدا کرد. به همین دلیل تعداد وکلای آن حضرت را بیش از بیست نفر ذکر کرده اند (ر.ک: جباری، ۱۳۸۵: ۴۲۹). یکی از وظایف مهم وکلای حضرت در مناطق مختلف، جمع آوری خمس بوده است. چنانکه در نامه های آن حضرت به وکیلان و شیعیان به این مهم تصریح شده است، آن حضرت به شیعیان دستور داده است که خمس را به وکیلش پرداخت نمایند و این نشان می دهد جمع آوری خمس شیعیان و فرستادن آن به امام در گسترش سازمان وکالت تأثیر داشته است. از باب نمونه حضرت در نامه ای را خطاب به یکی از وکیلانش به نام ابراهیم بن عبده و شیعیان تنظیم کرده توسط پیک ارسال نموده. حضرت به پیک خود فرموده است: ای اسحاق! تو پیک من نزد ابراهیم بن عبده هستی. درود خدا بر ابراهیم بن عبده و تو و همه شیعیان ما و کسانی که این نامه را می خوانند، آنان باید سهم ما (خمس) را به ابراهیم بدهند تا او هم به رازی برساند. ای اسحاق! هنگامی که به بغداد رفتی نامه را برای (جناب) دهقانی (عروه بن یحیی دهقان) بخوان، او کسی است که پول را از دوستان ما دریافت می کند (کشی، ۱۴۰۹ق، ص ۵۷۸).

در این گزارش عملکرد سازمان وکالت در باره جمع آوری خمس به خوبی تبیین شده و روشن گردیده است که وکیلان آن حضرت در جمع آوری و انتقال خمس به صورت شبکه ای عمل می کرده اند تا خمس را به دست امام (ع) برسانند و این نشان می دهد که خمس در گسترش سازمان وکالت بدون تأثیر نبوده است؛ زیرا از اهداف مهم سازمان وکالت جمع آوری خمس و انتقال آن به امام (ع) بوده است.

آن حضرت در نامه ای دیگر خطاب به عبدالله بن حمدویه در بیهق نوشتند: من ابراهیم بن

عبده (از وکیلان آن حضرت) را به سوي شما فرستادم تا مردم آن سرزمین سهم ما را به او بپردازند. شتاب کنید و سهم ما (خمس) را به او بپردازید که در رها کردن و تأخیر آن بهانه ای نیست (کشی، ۱۴۰۹ق: ص ۵۸۰).

۶- ۵- عصر غیبت صغری

هرچند در تشکیل سازمان وکالت اهداف گوناگونی نهفته است که یکی از مهمترین اهداف آن آماده سازی مردم برای تولد امام مهدی (عج) و غیبت آن حضرت بوده است، ولی نمی توان نقش خمس و وجوه شرعی را در گسترش این سازمان نادیده گرفت. خفقان شدید علیه شیعیان و آغاز غیبت امام دوازدهم جامعه شیعه را دچار سردرگمی کرده بود، اما نهاد خمس ادامه داشت، صرفاً نقش مدیریتی آن از نهاد «وکالت» به نهاد «نیابت» تغییر شکل داد؛ زیرا فقط نایبان خاص آن حضرت امکان ارتباط مستقیم با ایشان داشتند که ضمن نظارت بر وکلا، پاسخ مشکلات علمی- فرهنگی شیعیان را نیز به وکلای مناطق مختلف ابلاغ می کردند و وجوهات شرعی شیعیان را به نیابت از امام می گرفتند و به آن حضرت تحویل می دادند. یا در مواردی که از طرف امام مجاز بودند مصرف می کردند (طوسی، ۱۴۱۱ق: ص ۲۳۱-۲۳۲؛ جعفریان، ۱۳۸۱: ص ۵۸۳) جمع آوری خمس توسط نمایندگان امام به حدی بود که حکومت عباسی اطلاع پیدا کرده از این جهت احساس خطر کردند، از این رو عبیدالله بن سلیمان وزیر خلافت عباسی سعی کرد نمایندگان حضرت را شناسایی و دستگیر نماید (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ص ۵۲۵). به همین جهت بود که حضرت نامه ای به وکلای خویش به این مضمون نوشت: «از هیچ کس چیزی نگیرید و از گرفتن سهم امام خودداری کنید و خود را به نادانی زنید» (طبرسی، ۱۳۸۸: ص ۴۴۹). در باره «محمد بن حسن صیرفی» که منصب وکالت را در بلخ به عهده داشت، آمده است:

«ایشان به قصد انجام حج و همین طور تحویل دادن اموالی که شیعیان بلخ، برای رساندن به نایب سوم ناحیه مقدسه به وی سپرده بودند، از شهر بلخ عازم بغداد شد» (راوندی، ۱۴۰۹ق: ج ۳، ص ۱۱۲۶؛ ابن بابویه، ۱۳۸۰: ترجمه منصور پهلوان، ج ۲، ص ۲۵۵-۲۵۶).

با توجه به اینکه شیعیان به ویژه از مناطق دور دسترسی به امام معصوم نداشتند، اموالی از قبیل طلا و نقره، اشیای قیمتی همانند شمشیر و پول نقد توسط وکلا برای امام زمان (ع) ارسال می کردند (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ص ۵۱۸-۵۲۳). خمس یکی از اموالی بود که شیعیان به وکلای حضرت تحویل می دادند تا به دست امام معصوم (ع) برسد؛ زیرا شیعیان بر خود فرض می دانستند که و خمس اموال و درآمد موقوفات و همینطور صدقات عادی و هدایا و نذورات خود را به ساحت

مقدس امامانشان تقدیم کنند (جباري، ۱۳۸۲: ج ۱، ص ۲۸۶).

چنانکه در گزارشی آمده است ابراهیم بن مهزیار بعد از شهادت امام عسکری (ع) برای تسویه وجوهات شرعی شیعیان اهواز، راهی بغداد شد تا آن را به نایب آن حضرت تحویل دهد (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ص ۵۱۸). همچنین زنی به نام زینب که همسر محمد بن عبدل آبی از اهالی آبه بود، سیصد دینار با خودش داشت که نزد جعفر بن احمد بن متیل آمد و گفت: دوست دارم این مال را با دست خودم به حسین بن روح تقدیم کنم (راوندي، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۱۱۲۳). نیز مردی از اهل آبه اموالی را برای تحویل دادن به حضرت حجت با خود بردند و قبض آن را دریافت کردند (مفید، ۱۴۱۳ق: ج ۲، ص ۳۶۵). در گزارش دیگری محمد بن علی بن شاذان نیشابوری می گوید: پانصد درهمی که بیست درهم آن کم بود (از سهم امام) نزد من جمع شد، برای من ناگوار بود که پانصد درهمی که بیست درهم آن کم است بفرستم، از این رو، بیست درهم از مال خودم روی آن گذاشتم و نزد اسدی فرستادم و نوشتم چقدر از خودم گذاشتم، نامه آمد که: پانصد درهم رسید بیست درهم از آن تو است (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ص ۵۲۴). شهرت جمع آوری سهم امام (خمس) در این دوره آن قدر زیاد بود که خبر به گوش عبیدالله بن سلیمان وزیر رسید، و وزیر تلاش کرد تا وکلا را دستگیر کند (همان، ص ۵۲۵).

آن حضرت (عج) درباره کسانی که بدون اذن امام در مال وی تصرف می کنند، می فرمایند: چنین کسی ملعون است و ما در روز قیامت سر راهش را می گیریم... هر کس بدون دستور ما در مال ما تصرف کند، مرتکب گناه شده است و هر کس ذره ای از مال ما را بخورد، پس گویا آتش در شکم اوست (صدوق، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۵۲۱). هم چنین در توقیعی صادر شده برای شخصی بنام ابوالحسن اسدی درباره اهمیت پرداخت خمس فرمودند: لعنت خداوند، ملائکه و همه مردم بر کسی باد که درهمی از مال ما را بر خود حلال شمارد و مصرف کند (همان، ج ۲، ص ۵۲۲).

از مجموع روایات و گزارش های مذکور اهمیت خمس در تداوم شبکه ارتباطی وکالت و نقش آن در تامین نیازمندی های شیعیان در این عصر به خوبی روشن می گردد و زمینه را برای تداوم آن در عصر غیبت کبری فراهم می سازد.

نتیجه گیری

سازمان وکالت نخستین تشکیلاتی بود که با اهداف فرهنگی و سیاسی و جمع‌آوری خمس توسط امام صادق (ع) تأسیس گردید و از زمان امام کاظم (ع) ائمه بعدی گسترش یافت. این سازمان با انگیزه دینی و مالی در جهان تشیع شکل گرفت و به بزرگترین شبکه تأمین منابع مالی شیعه تبدیل گردید که یکی از مهمترین کارکردهای آن جمع‌آوری خمس اموال شیعیان و تحویل آن به امام معصوم (ع) بود. خمس اموال که بر پایه عقیده شیعه باید به امام معصوم تحویل داده شود و حق پیامبر (ص) و ذریه آن حضرت به حساب می‌آید، توسط وکلای ائمه معصومان (ع) جمع‌آوری می‌شد و به دست آن بزرگواران می‌رسید. از این رو، رابطه خمس و سازمان وکالت دوسویه است، همچنانکه سازمان وکالت به نهادینه شدن ظرفیت‌های پنهان خمس اثر گذاشت، خمس نیز به گسترش سازمان وکالت مؤثر بوده است. چون اختناق شدید سیاسی که از سوی حاکمان بر ائمه و شیعیان اعمال می‌شد و ارتباط دوسویه شیعیان و امامان امکان نداشت، ائمه را برای استمرار حیات اقتصادی جامعه شیعی به سوی تشکیل سازمان وکالت سوق داد. در عصری که زکات و مالیات در انحصار دستگاه خلافت بود، ائمه معصومین (ع) با استفاده از عالمان و فقیهان تربیت شده از مناطق مختلف جهان اسلام، یک شبکه پنهانی، منسجم، منظم، دقیق و ساختارمندی را برای جمع‌آوری خمس و تبیین و ترویج آن بنیان گذاشتند به گونه‌ای که از دورترین مناطق شیعه نشین خمس به عنوان حق امام، توسط وکلای ائمه اخذ می‌گردید و به ائمه (ع) تحویل داده می‌شد. بدین ترتیب فرهنگ پرداخت خمس به عنوان حق امام معصوم (ع)، در بین جامعه شیعی به فرهنگ رایج و مرسوم تبدیل گردید.

فهرست منابع:

قرآن کریم.

۱. ابن سعد الهاشمي البصري، محمد، (۱۴۱۰ق) الطبقات الكبرى، تحقيق محمد عبد القادر عطا، بيروت، دارالكتب العلمية.
۲. ابن حجر عسقلاني، احمد بن على، (۱۴۱۵ق) الاصابة في تمييز صحابة، تحقيق عادل احمد، بيروت، دارالفكر.
۳. ابن شهر آشوب، محمد بن على، (۱۴۱۲ق)، مناقب آل ابي طالب، بيروت، دارالاضواء، چاپ دوم.
۴. ابن طاووس، على بن موسى، (۱۴۲۰ق)، طرف من الأنباء و المناقب - مشهد، چاپ: اول.
۵. ابن فارس، احمد، (۱۴۰۴ق)، معجم مقاييس اللغة، قم: نشر دفتر تبليغات.
۶. ابن كثير، اسماعيل بن عمر، (بی تا)، تفسير القرآن العظيم، بيروت: دار المعرفة.
۷. ابن منظور، محمد بن مكرم، (۱۴۰۵ق) لسان العرب، قم: نشر ادب الحوزة.
۸. أبو يوسف الأنصاري، يعقوب بن إبراهيم، (بی تا)، الخراج، تحقيق طه عبد الرؤوف سعد، سعد حسن محمد، قاهره، المكتبة الأزهرية للتراث.
۹. اربلي، ابوالحسن على بن عيسى، (۱۳۸۱ق) كشف الغمة في معرفة الأئمة عليهم السلام، تحقيق رسولي محلاتي و بنی هاشمی، تبریز، بی نا.
۱۰. بخاری، محمد ابن اسماعيل، (۱۴۱۰ق)، صحيح البخاري، قاهره: لجنة إحياء كتب السنة،
۱۱. بلاذري، أبو الحسن أحمد بن يحيى، (۱۹۸۸م) فتوح البلدان، بيروت، دار و مكتبة الهلال.
۱۲. بيضاوى، عبد الله بن عمر، (۱۴۰۸ق)، انوار التنزيل، بيروت: دار الكتب العلمية.
۱۳. جاسم، حسين، (۱۳۶۷)، تاريخ سياسى غيبت امام دوازدهم (عج)، تهران، اميركبير، چاپ اول.
۱۴. جعفریان، رسول، (۱۳۸۱)، حیات فکری و سياسى ائمه (ع)، قم، انصاريان، چاپ ششم.
۱۵. جوهرى، اسماعيل ابن حماد (۱۴۰۷ق) الصحاح، الطبعة الرابعة بيروت: دارالعلم

الملائين

١٦. حر عاملی، محمد بن حسن، (١٤٠٩ق)، وسائل الشیعة، قم: مؤسسه اهل البيت (ع).
١٧. خامنه ای، سیدعلی، (١٣٩١) انسان دویست و پنجاه ساله، چاپ ١٢، تهران: نشر مؤسسه ایمان جهادی.
١٨. خمینی، روح الله، (١٤٠٩ق)، تحرير الوسيلة، قم، دار الكتب العلمية.
١٩. خویی، سیدابوالقاسم، (١٤١٣ق) معجم رجال الحديث، ج پنجم، قم: بی نا.
٢٠. دزفولی، مرتضی بن محمد امین انصاری، (١٤١٥ق) کتاب الخمس (للشیخ الأنصاري)، در يك جلد، كنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، قم - ایران، اول.
٢١. راوندی، قطب الدين، سعيد بن هبة الله، (١٤٠٩ق) الخرائج و الجرائح، تحقيق و تصحيح: مؤسسة الإمام المهدي عليه السلام، قم، مؤسسه امام مهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف، چاپ اول.
٢٢. زمخشری، محمود بن عمر، تفسير الکشاف، بيروت، دارالمعرفة، ١٤٠٠ق،
٢٣. سیوطی، جلال الدين، (١٤٠٤) الدر المنثور فی تفسير المأثور، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی.
٢٤. صدوق، محمد بن علي، (١٤٠٦ق) الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام، مشهد: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
٢٥. _____، (١٤١٥ق) المقنع، قم: مؤسسه امام مهدي .
٢٦. _____، (١٣٨٥ق)، عيون اخبار الرضا، نجف: مكتبة الحيدرية
٢٧. _____، (١٣٨٠ش) کمال الدين، ترجمه منصور پهلوان، تصحيح، علی اکبر غفاری، انتشارات دار الحديث، چاپ اول.
٢٨. _____، (١٣٧٢) عيون أخبار الرضا:، ترجمه علی اکبر غفاری و حمید رضا مستفید، تهران، نشر صدوق، چاپ اول.
- ٢٩.
٣٠. طبرسی، (١٣٦٠)، ترجمه مجمع البيان فی تفسير القرآن، تهران: انتشارات فراهانی
٣١. طبری، محمد بن جریر، (١٤٢٢ق)، جامع البيان، بيروت: دارالاعلام.
٣٢. _____، (١٣٨٧ق) تاريخ الأمم و الملوك، تحقيق محمد أبو الفضل إبراهيم، ط

الثانية، بيروت، دار التراث.

۳۳. طوسی، محمد بن الحسن، (۱۳۹۰ق)، الإستبصار فيما اختلف من الأخبار، مصحح،

خرسان، حسن موسوی، تهران: دار الكتب الإسلامية

۳۴. _____، (۱۴۰۷ق) تهذيب الاحكام، چ چهارم، تهران، دار الكتب الإسلامية.

۳۵. _____، (۱۴۱۱ق) الغيبة، تحقيق عبادالله طهراني و علي احمد ناصح، قم:

المعارف اسلاميه.

۳۶. _____، (۱۳۴۸) اختيار معرفة الرجال، دانشكده الهيات و معارف اسلامي

۳۷. عبدالله بن عمر بیضاوی، (۱۴۱۸ق) انوارالتنزيل و أسرار التأویل، بيروت: دار احیاء

التراث العربی

۳۸. عیاشی، محمد بن مسعود، (۱۳۸۰ق) تفسیر العیاشی، تهران، المطبعة العلمية.

۳۹. فراهیدی، خلیل بن أحمد، (۱۴۰۹ق) کتاب العین - قم، چاپ: دوم.

۴۰. کشی، محمد بن عمر، (۱۴۰۹ق) رجال، تحقیق محمد بن حسن طوسی، مشهد،

دانشگاه مشهد.

۴۱. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ق)، الکافی، مصحح: علی اکبر غفاری و محمد

آخوندی، چاپ ۴، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

۴۲. کوئن، بروس، (۱۳۹۵ش)، درآمدی بر جامعه شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، چ ۴۱،

تهران: نشر توتیا.

۴۳. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ق) بحار الأنوار، چ دوم، بيروت، دار إحياء التراث العربي.

۴۴. مدرسی طباطبایی، حسین (۱۳۸۶) مکتب در فرایند تکامل، تهران، کویر، چاپ سوم.

۴۵. معین، محمد، (۱۳۸۵)، فرهنگ فارسی، چاپ دوم، تهران: نشر هنرور

۴۶. مفید، محمد بن نعمان، (بی تا) الارشاد، ترجمه رسولی محلاتی، تهران: بی تا،

۴۷. _____، (۱۴۱۳ق) الاختصاص، تحقیق علی اکبر غفاری، قم: المؤتمر

العالمی لالفة الشیخ المفید.

۴۸. نجفی، صاحب الجواهر، محمد حسن، (۱۴۰۴ق) جواهر الکلام فی شرح شرائع

الإسلام، دار إحياء التراث العربي، بيروت - لبنان، هفتم.

۴۹. صفار، محمد بن حسن، (۱۴۰۴ق) بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد، چ دوم، قم:

مکتب آیت الله المرعشی النجفی

۵۰. مقدسی، یدالله، (۱۳۷۹) سیره معیشتی معصومان، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۵۱. نجفی، محمدحسین، (۱۴۰۴ق) جواهر الکلام، چ ۷، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
۵۲. نیشابوری، مسلم (بی تا)، الصحیح، بیروت، دارالفکر.
۵۳. الهروی البغدادي، أبو عبید القاسم بن سلام بن عبد الله، (بینا)، کتاب الأموال، تحقیق خلیل محمد هراس، دار الفکر - بیروت.
۵۴. همدانی، آقا رضا بن محمد هادی، (۱۴۱۶ق) مصباح الفقیه، مؤسسة الجعفریة لإحیاء التراث و مؤسسة النشر الإسلامی، قم - ایران، اول.
۵۵. همدانی نوری، حسین، (۱۳۸۸ش)، الخمس: فی ضوء مدرسه اهل البيت، قم: نشر بوستان کتاب
۵۶. یعقوبی، (۱۳۷۴)، تاریخ، چاپ چهارم، ترجمه آیتی، تهران: علمی فرهنگی.

